



معاونت آموزش متوسطه

کارشناسی تکنولوژی و گروه های آموزشی

گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره اول متوسطه

نگارش پایه نهم

درس پنجم (نوشته را خوش، آغاز کنیم؛ زیبا به پایان ببریم و نیکو نام گذاری کنیم.)

مدرس: هدیه مرادی

با نظارت علمی سرگروه آموزشی، آقای ولی کیانی پور

سال تحصیلی:

۱۳۹۹ - ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





درس پنجم

جلسه اول

فعّالیت نگارشی یک

تدریس درس



چکیده

برای زیبا ساختن و جذاب کردن نوشته باید: بعد از شکل‌گیری نقشه ذهنی، به چگونه آغاز کردن نوشته خود بیندیشید و با استفاده از روش‌های آغاز نوشته (با پرسش، خبر، داستان) تلاش کنید شروع جذاب و گیرایی داشته باشید تا خواننده را در دام نوشته خود بیندازید؛ همچنین، به پایان نوشته و به تأثیری که بر خواننده دارد، فکر کنید. با بهره‌گیری از روش‌های پایان دادن مناسب نوشته (با پرسش، شعر، مثل، ...، جملات عاطفی)، می‌توانید اثربخشی نوشته خود را بیشتر کنید.

نکته‌ای که باید یادآور شویم، آن است که شما به مرور زمان و با خواندن آثار نویسندگان بزرگ، روش‌های مؤثر و خلاقیتی برای آغاز کردن و پایان دادن نوشته خواهید آموخت. ممکن است از روش‌های پیشنهادی ما موثرتر باشند؛ آنها را هم بیاموزید و در نوشته‌هایتان به کار بگیرید.

سخن آخر اینکه پس از اتمام نوشته، نوبت انتخاب نام مناسب برای آن است. نوشته، همچون فرزند نویسنده است؛ اولین وظیفه نویسنده آن است که بر نوشته، نام نیکو و مناسبی بگذارد. نام نوشته، معمولاً بعد از تولد و پایان یافتن کار نوشتن، انتخاب می‌شود. نام خوب و مناسب نیز در جذب خواننده، مؤثر است.»

اگر آغاز نوشته‌های ما با موارد زیر همراه باشد، بهتر می‌توان خواننده را جذب کرد.»

♦ **پرسش** (بهره‌گیری از پرسش و ایجاد کنجکاوی در خواننده)

♦ **خبر** (بیان خبری داغ، متفاوت و غافل‌گیر کننده)

♦ **داستان** (نقل داستان، حکایت یا خاطره‌ای کوتاه)

پرسش

خبر

داستان

آغاز نوشته با



نویسندگان در نمونه های زیر، برای آغاز مناسب و جذاب از این روش ها ، بهره گرفته اند:

پرسش

یک) نگرانی؟ دلت شور می زند؟ شب ها خواب بد می بینی؟ از فکر کارهای زیادی که داری، خوابت نمی برد؟ به این حالت ها می گویند: «اضطراب و نگرانی».

اضطراب و نگرانی دزدکی به سراغ آدم می آید و خیلی هم سمج است؛ ولی چاره دارد. منظورم جیغ و داد کردن و لگد زدن به در و دیوار نیست. یکی از راه های بی اثر کردن اضطراب مسخره کردن آن است. لب های ت را باز کن، دندان های ت را بیرون بپنداز و بزن زیر خنده. یادت باشد، یکی از بهترین داروهای اضطراب، «خنده» است... .

♦ **دچار استرس می شویم. چه کنیم؟**

دو «زپلین» نام یک کشتی هوایی است که به جای حرکت روی موج‌های دریا، در آسمان پرواز می‌کند.

در جنگ جهانی اول، آلمانی‌ها سلاح‌های جنگی متعددی را آزمایش کردند؛ یکی از ابزارهای عجیب آنها زپلین‌ها بود. آنها از این کشتی هوایی، برای بمباران شهرهای انگلستان استفاده می‌کردند. طول برخی از این کشتی‌های هوایی، به دویست متر می‌رسید و به آنها سوپر زپلین می‌گفتند....

♦ **بهترین دانشتنی‌های علمی برای نوجوانان، نقل به مضمون**

داستان

سه می‌گویند، خلیفه زمان، به لیلی طعنه زد و گفت: «از دگرخویان تو افزون نیستی!»
لیلی بی‌آنکه برآشوبد، پاسخ داد: «باش خامش، چون تو مجنون نیستی.»

این مضمون در نوشته‌های زیادی آمده است. اینکه عیوب معشوق در نظر عاشق، عیب جلوه نمی‌کند و حتی زیبایی تلقی می‌شود. اگر ما پدیده‌های پیرامون خود را زیبا نمی‌بینیم، شاید مشکل در نگاه ما باشد نه آن پدیده‌ای که به آن نگاه می‌کنیم. شاید هنوز مجنون نیستیم و لیلی زندگی را خشک و خلیفه وار می‌بینیم.

اگر پایان نوشته‌ها با موارد زیر همراه باشد، تأثیرگذارتر خواهد بود:

◆ پرسش (بهره‌گیری از پرسش برای واداشتن خواننده به تفکر)

◆ شعر (نقل اشعار و ابیات، مثل مرتبط با موضوع نوشته)

◆ جمله‌های عاطفی (فضاسازی به کمک احساس و عاطفه)

پرسش

شعر

جمله‌های عاطفی

پایان نوشته با

پرسش

یک) ... در هر حال آن کس که در شعر، حرفی برای گفتن ندارد، نباید گناه خود را به گردن وزن و قافیه بیندازد. باید «شاعری» را که برای او یک حاجت روحانی نیست، ترک کند و کنار برود.

آیا این صمیمانه‌تر و حتی شاعرانه‌تر نیست؟

♦ شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب

شعر / مَثَل / آیه و ...

(دو) ... من قدر درس ادبیات را به خوبی می‌دانم؛ زیرا زبانی است که خودم به آن حرف می‌زنم. زبان و ادبیات همیشه با ما هست، پس چه بهتر است که زبان فارسی را بهتر یاد بگیریم. فارسی را یاد می‌گیرم چرا که گفته‌اند: «قدر زر زرگر شناسد، قدر گوهر گوهری.»

◆ این دل پر از خوبی‌هاست!

جمله‌های عاطفی

(سه) ... اینجا معمای بسیار بزرگی هست. هم برای من و هم برای شما که مثل من شازده کوچولو را دوست دارید. اگر در جایی که نمی‌دانم کجاست، گوسفندی که نمی‌شناسیم، گلی را خورده یا نخورده باشد، دیگر هیچ چیز جهان چنان که هست نخواهد بود. به آسمان نگاه کنید. از خود پیرسید، آیا گوسفند گُل را خورده یا نخورده است و ببینید چگونه همه چیز دگرگون می‌شود.

آه، هیچ کدام از آدم بزرگ‌ها هرگز نخواهند فهمید که چقدر اهمیت دارد!

◆ شازده کوچولو

تکلیف:

✱ سه نوشته از کتاب های دیگر به دلخواه انتخاب کنید و آغاز و پایان نوشته را در آن مشخص کنید.

درس پنجم

جلسه دوم

درست نویسی

فعالیت نگارشی سه

فعالیت نگارشی دو



فعالیت‌های نگارشی

◆ نوشته‌های زیر، از بخش‌های آغازین و پایانی متن‌هایی انتخاب شده‌اند؛ آنها را بخوانید و بگویید، هر کدام، به چه شیوه، آغاز و پایان نوشته خود را تنظیم کرده‌اند؟

آغازها

می‌گویند که در شهر کوچک یورو در کشور هندوراس، سالی یکی دوبار از آسمان ماهی می‌بارد! براساس گفته‌های مردم محلی، در ماه‌های مه و ژوئن هر سال، طوفان‌های بسیار بزرگی در این شهر اتفاق می‌افتد و گاهی بعد از تمام شدن طوفان، تمام خیابان‌ها پر از ماهی‌های کوچک می‌شوند.

ما کاری به علمی بودن یا نبودن این خبر نداریم، تنها می‌خواهیم راجع به یک مسئله دیگر حرف بزنیم. آن مسئله، غیرمنتظره بودن یک اتفاق است. مثل باریدن ماهی از آسمان، پرواز کردن کشتی در آسمان، شکست خوردن یک فیل از مورچه و خیلی خبرهای عجیب و غیرمنتظره. آیا به نظر شما، خیانت کردن یک دوست به دوستی دیگر هم، خبر غیرمنتظره‌ای است؟ نافرمانی یک فرزند در برابر پدر و مادر چطور؟ آیا در حدّ خبر باران ماهی‌ها هست؟ ...

داستان

آغاز با:

به چه چیزهایی باید علاقه‌مند بود؟ به پدر و مادر؟ به علم و دانش؟ به دوست و آشنا؟
به هنر و زیبایی؟ مسلماً همه اینها ارزشمندند و باید دوستشان داشت؛ اما آنچه پیش و بیش
از همه چیز و همه کس باید بدان علاقه‌مند شد، چیز دیگری است.
باید پیش از علاقه‌مند شدن به هر چیز و هر کس، به «خودتان» علاقه‌مند شوید. شما باید
خودتان را دوست بدارید و به خودتان عشق بورزید. باید آنقدر به خودتان نزدیک شوید که
گویى بهترین دوست صمیمى خودتان هستید. علاقه‌مند شدن به خودتان کلید اصلی علاقه‌مند
شدن به دیگران است...

♦ مجله رشد نوجوان، ش ۱۷۱

پوشش

آغاز با:

پایان‌ها

... به این ترتیب، فصل‌ها پشت سر هم می‌آیند و می‌روند و هر فصل که به پایان می‌رسد، جای خود را به فصلی دیگر می‌دهد. بهار، تابستان، پاییز، زمستان و دوباره بهار.
آیا نه این است که هر چهار فصل یک مقصد دارند و هر چهار، پیام‌آور یک حقیقت‌اند؟
آیا نه این است که این چهار پیامبر، پیامشان «حیات» است و تنها حیات؟

پیش

پایان با:

... زبان فردوسی مانند دل او روشن و پاک است. او با همین زبان صاف و زلال و عفاف‌آمیز، صحنه‌های بزم و رزم را وصف می‌کند. خواننده، در پس صدای کارزار و به هم خوردن شمشیر و گرز، صدای خودِ شاعر را می‌شنود و وجود او را احساس می‌کند.
فردوسی با خلق اثری که عواطف ملی و آرمان‌های انسانی به زیباترین و پرشکوه‌ترین صورتی در آن انعکاس یافته، در دل‌ها و جان‌های پاک، برای همیشه زنده خواهد ماند.

زمن روی کشور شود پر سخن
که تخم سخن را پراکنده‌ام

چو این نامور نامه آمد به یُن
نمیرم از این پس که من زنده‌ام

♦ فارسی اول راحتمایی. س ۱۳۸۳

شعر

پایان با:

♦♦ موضوعی را به دلخواه برگزینید و با یکی از شیوه‌های آغاز و پایان نوشته، متنی را درباره آن بنویسید؛ سپس نامی برای نوشته خود انتخاب کنید.

موضوع:

متن تولید شده دانش آموز



یکی از نوشته های عضو گروه خود را انتخاب کنید و آن را بر پایه معیارهای زیر، بررسی و نقد کنید.

سنجش های ارزیابی:

- ♦ داشتن پیش نویس:
- ♦ داشتن پاک نویس (رعایت علائم نگارشی، املاي صحيح واژگان، درست نویسی، خط خوش):
- ♦ استفاده مناسب از روش های شروع کردن و به پایان بردن نوشته:
- ♦ رعایت طبقه بندی ذهن و نوشته (آغاز، میانه و پایان):
- ♦ بهره گیری مناسب از شیوه های پرورش فکر:
- ♦ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری

نتیجه بررسی و داوری دانش آموز

♦ یک جلد، کتاب داستان خریدم.

♦ یک جلد، کتاب داستان خریداری کردم.

جمله نخست، مناسب‌تر است. جمله دوم هم اگرچه با همان فعل «خرید» ساخته شده؛ اما به دلیل ترکیب‌شدن با یک فعل دیگر (کردم)، طولانی‌تر شده است. هرگاه بتوانیم جمله‌ها را با فعل‌های کوتاه‌تر و ساده‌تر بنویسیم، بهتر است از شکل‌های ترکیبی و دشوارتر آنها استفاده نکنیم.

♦ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ دانش‌آموزان در جشن پایان دوره متوسطه اول، حضور به هم رساندند.

دانش‌آموزان در جشن پایان دوره متوسطه اول، حاضر شدند.

♦ مدیر مدرسه، خاطره سی سال مدیریت خود را به رشته تحریر در آورد.

مدیر مدرسه، خاطره سی سال مدیریت خود را نوشت.

درس پنجم



جلسه سوم

حکایت نگاری



حکایت نگاری: ویژگی های باز نویسی

باز نویسی فرایندی پیچیده تر از بازگردانی دارد. در باز نویسی علاوه بر توانمندی در بازگردانی، نویسنده باید با عناصر تشکیل دهنده یک متن نیز آشنا باشد و بتواند عناصری مانند فضا سازی، گفت و گو، شخصیت، و ... را بر متن بیفزاید.



حکایت نگاری

حکایت زیر را به زبان ساده، یازنویسی کنید.

حکایت:

روزی، شخصی نزد طیب رفت و گفت: «شکلم من به غایت درد می کند، آن را علاج کن کربی طاقت شده ام.» طیب گفت: «امروز چه خورده ای؟» مریض گفت: «نان سوخته.» طیب غلام خود را گفت: «داروی چشم را بیاور تا در چشم او کشم!» مریض گفت: «من درد شکلم دارم، داروی چشم را چه کنم؟» طیب گفت: «اگر چشمت روشن بودی، نان سوخته نخوردی!»

لطایف الطوائف، فخرالدین علی صفی

یازنویسی:

تکلیف دانش آموز

معنای واژه ها:

طیب: پزشک

به غایت: به شدت، بی نهایت

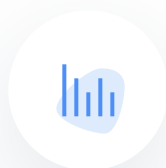
علاج: درمان

سرفراز و پیروز باشید!



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد